



ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS, PART IA

Middle Eastern Studies

Date

Time

MES.3 PERSIAN LANGUAGE

*Answer **all** questions.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** Section booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS

*20 Page Answer Book x 1
Rough Work Pad*

SPECIAL REQUIREMENTS

None

**You may not start to read the questions
printed on the subsequent pages of this
question paper until instructed that you may
do so by the Invigilator.**

SECTION A

1 Translate the following **unseen** sentences into **English** [10 marks]

- ۱ فردوسی یکی از بزرگترین شاعران ایران است.
- ۲ او در سال سیصد و نوزده هجری (۹۴۰ میلادی) در روستای باژ در نزدیکی طوس در خراسان کنونی دیده به جهان گشود.
- ۳ او از جوانی عشقی سرشار به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ، تاریخ و هنر ایران داشت.
- ۴ او اساطیر و سرگذشت حماسی شاهان و پهلوانان ایران پیش از اسلام را در شاهکار خود که بعدها *شاهنامه* نامیده شد به شعر درآورد.
- ۵ *شاهنامه* با گردآوری مهمترین داستانهای تاریخی و اسطوره ای ایران و دادن انسجام و زیبایی ادبی به آنها تأثیر فراوانی بر ادبیات، اندیشه و هویت ایرانی گذاشت و جایگاه فرهنگی و سیاسی زبان فارسی را در ایران بعد از اسلام استحکام بخشید.
- ۶ ایرانیان فردوسی را بسیار دوست دارند و از خواندن *شاهنامه* لذت می برند.
- ۷ همانطور که خود فردوسی در شعر زیر پیش بینی کرده است همه ایرانیان بر او آفرین می گویند:
- چو این نامور نامه آید به بن
ز من روی کشور شود پر سخن
از آن پس نمیرم که من زنده ام
که تخم سخن من پراکنده ام
هر آنکس که دارد هوش و رای و دین
پس از مرگ بر من کند آفرین

Line 7: coherence

انسجام

Line 9: strengthen

استحکام بخشیدن

Line 13: scatter, spread

پراکندن

Line 14: intelligence and thought

هوش و رای

2 Translate the following **seen** passage into **English** [10 marks]

۱ در وهله اول به لیلی و مجنون فکر کردم که قصه اش را بارها شنیده بودم. ولی
 هرچه زوایای مغزم را کاوش کردم، دیدم چیزی راجع به طرز عاشق شدن مجنون
 ۳ به لیلی نشنیده ام. فقط می گفتند مجنون عاشق لیلی شد. اصلاً شاید بهتر بود در این
 بررسی پای لیلی و مجنون را به میان نمی کشیدم زیرا هم اسم بودن لیلی و دختر
 ۵ دائی جان احتمالاً بدون اینکه خودم بدانم در استنتاجهای بعدیم مؤثر بود. اما چاره ای
 نداشتم. مهمترین عشاق آشنایم همین لیلی و مجنون بودند. غیر از آنها شیرین و فرهاد
 ۷ هم، مخصوصاً از طرز عاشق شدن آنها، چیز زیادی نمی دانستم. یک داستان
 عاشقانه هم که در پاورقی یک روزنامه چاپ شده بود خوانده بودم ولی چند شماره
 ۹ اولش را نخوانده بودم و یکی از همکلاسی هایم برایم تعریف کرده بود. در نتیجه
 شروع ماجرا را نمی دانستم.

۱۱ صدای دوازده ضربه زنگ ساعت دیواری زیرزمین را شنیدم. خدایا، نصف شب
 شده بود و من هنوز خوابیده بودم. این ساعت تا یادم می آمد در خانه ما بود و اولین
 ۱۳ بار بود که صدای زنگ ساعت ۱۲ را می شنیدم. شاید این بی خوابی هم دلیلی بر
 عاشق شدنم بود. در نیمه تاریکی حیاط که از پشت توری پشه بند سایه های درختها
 ۱۵ و بته های گل را بصورت اشباح عجیب و غریبی می دیدم وحشت برم داشته بود
 چون قبل از اینکه درباره عاشق شدن یا نشدنم به نتیجه برسم از سرنوشت عشاقی که
 ۱۷ مرور کرده بودم وحشت کردم. تقریباً همه آنها سرنوشت غم انگیزی داشتند و ماجرا
 به مرگ و میر تمام شده بود.

از دائی جان ناپلئون، اثر ایرج پزشکزاد

SECTION B

3 Choose **one** of the following topics for a composition in **Persian** of **about 100 words** [30 marks]

- a Write a review about a story you have recently read.
- b Describe someone you have recently met.
- c Explain why you study Persian.
- d Describe the country in which you grew up.

SECTION C

Answer **all** the following questions [20 marks]

4 Give the present and past continuous forms of the verbs below in **Persian**:

- a to become
- b to watch
- c to wash
- d to tell
- e to like

5 Translate the following sentences into **Persian**:

- a His short stories are among the best ever written in Iran.
- b Yesterday I was too tired, so I went home early.
- c Not even his friends knew what he intended to do.
- d If I had seen him yesterday, I would definitely have told you about it.
- e Just before I left the office, my brother called to say that our music teacher had passed away.

6 Identify the grammatical form and translate the following into **English**

- a نمی خواهمش
- b نشستش
- c درمانگاه
- d بچگانه
- e خوشمان نیامد

7 Complete the sentences with the correct form of the terms given between brackets and translate them

- a من تا به حال هیچیک از نمایشنامه های بیضایی را بر صحنه (دیدن).....
- b به من گفت: «نمی خواهم دیگر صدای تو را در این خانه (شنیدن).....»
- c بعد از دعوا به خانه رفت و در تختخواب دراز (کشیدن)..... تا (آرام گرفتن).....
- d ترا (دوست داشتن) ای سیاهی شب چون تو هم رنگ زلف یار منی.
- e پیراهنی که تو پارسال برایم (خریدن) حالا برایم (کوچک شدن).....

END OF PAPER